



An Attempt to Identify the Phonetic and Semantic Evolution of the Pahlavi Word “Tigrāḥy” and Changing it to the Word Attributed to the Turkic Language “Toghrā”

Rasoul Bashash Kanzagh^{1*}

1-Retired member of the faculty Research Institute of Cultural Heritage and Tourism, Tehran, Iran.

Received 2022/06/21 | Accepted 2022/08/11

Abstract

The author, during a discussion in his two previous papers - mentioned in the main article - together with the text of Shapur Pahlavi inscription in the Hājiābād cave (ŠH), has suggested the possibility of converting the extinct word in Middle Persian “tigrāḥy”, that means "shooting or throwing arrow", to the word "Ṭughrā" and believe that it is not a Turkic word with an unknown and ambiguous root, but by referring to some historical texts and rich Persian literature and relying on the criterion of phonetic plausibility in linguistics, a word with historical Persian roots. This paper is a response to the appendix of "Sudavar" article entitled "The Mongol Legacy of Persian Farmāns" in which the origin of the word "Ṭughrā" is regarded as of the Turkic language. Although some of the early Turkic lexicographers, like the most reliable of them, "Mahmoud Kashghari" 467-486 (AH.), read it as "Ṭughrāgh" in the "Dīwān Lughāt al-Turk", meaning "signature", with an unknown root and origin meaning, the majority of contemporary Turkic and non-Turkic lexicographers as "Sudavar", consider the word "Ṭughrā" resulting from the mistake of the Iranian scribes of the Seljuk court in the pronunciation and distortion of the name "Turghāi", the legendary bird of the Turks, or using the first three letters ṭ.ḡ.r of the name Ṭughril/Ṭughröl to devise the word "Ṭughrā". It can be said that what they say about experienced Persian scribes is very strange and unreasonable. However, this might be true and accepted by all old and contemporary lexicographers and literary men throughout history, before discovering and deciphering the Sassanid Shapur inscription (ŠH) in Hājiābād Pars. It should be mentioned that the present study is conducted based on the said inscription. After discovering it by R.K. Porter in 1818 (AD) and presenting its translation respectively by scholars such as Hertzfeld, Klima, Nyberg, and finally Mackenzie in 1979 under the title "Shapur's Shooting", the author has presented and proposed his point of view.

Keywords: Tigrāḥy, ṭughrā, ṭurghāi, Shapur's inscription (ŠH), Pahlavi language, Edict.

Copyright © 2021-2022 Cultural Heritage Records Studies. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



Bashash Kanzagh, Rasoul. (2022). An Attempt to Identify the Phonetic and Semantic Evolution of the Pahlavi Word “Tigrāḥy” and Changing it to the Word Attributed to the Turkic Language “Toghrā”. *Cultural Heritage Records Studies*, 4(2), 2-9.

Corresponding Author: Rasoul Bashash Kanzagh, Retired member of the faculty of the Research Institute of Cultural Heritage, and Tourism, Tehran, Iran. E-mail: r_bashash@yahoo.com



تلاشی در راستای شناسایی سیر تحوّل و تطوّر آوایی و معنایی واژه پهلوی «تیگراهی» (tigrāhy) و تبدیل آن به واژه منسوب به زبان ترکی «طغرا»

رسول بشاش کنزق*

۱- عضو هیئت علمی بازنشسته پژوهشگاه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، تهران، ایران.

دریافت: ۱۴۰۱/۳/۳۱ | پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۲۰

چکیده

نگارنده، طی بحثی در دو مقاله پیشین خود - اشاره شده در اصل مقاله - همراه با متن کتیبه پهلوی شاپور در غار حاجی آباد (ŠH)، امکان تبدیل واژه مهجور فارسی میانه *tigrāhy* به معنی «تیررس» یا «پرتاب تیر» به واژه طغرا/تغرا را، نه یک واژه زبان ترکی با ریشه نامشخص و مبهم؛ بلکه با ارجاع به پاره‌ای از متون تاریخی و ادبیات غنی فارسی و تکیه بر معیار توجیه‌پذیری آوایی (phonetic Plausibility) در زبان‌شناسی، یک واژه ریشه‌دار تاریخی فارسی، مطرح و پیشنهاد کرده است. اینک، در ارتباط با ضمیمه مقاله‌ای از سودآور، تحت عنوان «میراث مغول در فرامین ایران زمین»، در وجه تسمیه واژه «طغرا» و نسبت دادن منشاء آن به زبان ترکی، با وجود اذعان بعضی از لغت‌شناسان پیشین ترک از جمله معتبرترین آن‌ها محمود کاشغری ۴۸۶-۴۶۷ (ق.ه) که آن را در دیوان لغات ترک، ضمن تأکید به نامشخص بودن ریشه و ریشه تاریخی اش «طغرق»، به معنی «توقیع» می‌خواند، هنوز هم بنا بر اظهار نظر و عقیده مبهم غالب فرهنگ‌نویسان معاصر ترک و غیرترک، واژه طغرا را همانند ضمیمه مقاله سودآور، ناشی از اشتباه کاتبان ایرانی دربار سلجوقی در تلفظ و تحریف نام «طرغای»، مرغ افسانه‌ای قوم ترک، یا برای اولین بار، ابداع آنها در استفاده عمدی از سه هجای «ط-غ-ر» بخش نخست نام طغرل شاه سلجوقی می‌دانند. به عقیده نگارنده، این نظر درباره کاتبان مجرب ایرانی در دیوان سلجوقی دور از ذهن است. البته این ابهام و گنگی در ریشه‌شناسی و منشاء تاریخی واژه طغرا/تغرا برای فرهنگ‌نویسان و لغت‌شناسان قدیم و معاصر تا قبل از کشف کتیبه شاپور در غار حاجی آباد پارس که این مقاله مبتنی بر متن همین کتیبه مطرح شده است، منطقی و اجتناب‌ناپذیر بوده است. لیکن پس از کشف این کتیبه در سال ۱۸۱۸ توسط R. K. Porter و خوانش‌های آن در طی حدود ۱۵۰ و چند سال متوالی توسط دانشمندانی چون هرتسفلد، کلیما، نیبرگ و آخرین آنها در سال ۱۹۷۹ توسط مکنزی با عنوان «نیراندازی شاپور»، با توجه به قابل تعبیر و تفسیر بودن متن کتیبه که طی سال‌های پس از کشف و قرائت آن همچنان صورت پذیرفته است، نگارنده نیز به نوبه خود در دو مقاله پیشین و این مقاله به آن پرداخته و نقطه نظرات خود را مطرح و پیشنهاد نموده است.

واژه‌های کلیدی: تیگراه، طغرا/تغرا، طرغای، کتیبه شاپور HS، زبان پهلوی، فرمان، توقیع.

کپی رایت © دو فصلنامه مطالعات اسناد میراث فرهنگی: دسترسی آزاد؛ کپی برداری، توزیع و نشر با ذکر منبع آزاد است.

بشاش کنزق، رسول (۱۴۰۱). تلاشی در راستای شناسایی سیر تحوّل و تطوّر آوایی و معنایی واژه پهلوی «تیگراهی» (tigrāhy) و تبدیل آن به واژه منسوب به زبان ترکی «طغرا». *مطالعات اسناد میراث فرهنگی*، ۴ (۲): ۹-۲.



* نویسنده مسئول: رسول بشاش کنزق، عضو هیئت علمی بازنشسته پژوهشگاه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، تهران، ایران.

پست الکترونیک: r_bashash@yahoo.com

¹ D. N. MacKenzie

² Shapur, s shooting

مقدمه

متون و کتیبه‌های کهن و میانه زبان‌های ایرانی، به موازات فرهنگ غنی و بالندهٔ چند هزار ساله آن، سرشار از حکمت و دانایی هستند. به راستی، خرد و دانایی هزارتوی نهفته‌اش، درک و تحلیل هر نکته آن در هر دوران، بدون اغراق، منتهی عظیم برگردن باشندگان دورانش و افتخاری بس بزرگتر، برای دریاب کننده‌های بعدی آن از هر کشور و هر ملت، دارد. نگارنده در این مقاله، لازم می‌داند تنها به چهار سدهٔ اخیر (۱۷ تا ۲۰) اشاره نماید که چگونه تعدادی از جهانگردان اروپایی به بهانه جهانگردی، اما با چه امیالی وارد این سرزمین پاک شدند؛ هرچند که در حال پرداختن به امیال خود لیکن، چنان محو تماشای این همه آثار و فرهنگ و ادب کهن ایران زمین شدند که همین امر موجب به قلیان درآمدن ذوق و شوق و شکوفایی علمی و هنری آنها شد؛ به طوری که بعد از آن، با مفتخر شدن به عنوان مستشرق یا خاورشناس، در ثبت و ضبط مقررانه و عالمانه هنر و دانش برآمده از این آثار و با طرح‌ها و نقاشی‌های سیاه قلم، نگارش سفرنامه‌ها و حضور در محوطه‌های باستانی، این بار نیز مشعوف از تماشای کتیبه‌ها، با گرت‌برداری از کتیبه‌های کهن ایران، مفتخر به ورود به جرگه نخستین علمای خطوط و فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران و بین‌النهرین در جهان شدند.

نگارنده در اولین گردهمایی زبان، کتیبه و متون کهن، در سال ۱۳۷۰، در دانشکده ادبیات دانشگاه شیراز نخستین بحث سابقه تاریخی و اسطوره‌ای واژه طغری را در مقاله‌ای تحت عنوان «کتیبه حاجی‌آباد فارس در عرصه تاریخ و اسطوره» مطرح نمود (بشاش ۱۳۷۵: ۵۶-۴۱). به دنبال آن، در همایش بین‌المللی میراث زبانی، سال ۱۳۹۴، در تهران، همین بحث را با ارائه منابع و مآخذ بیشتری در مقاله «مراسم تغرا کشی شاپور (کتیبه شاپور در غار حاجی‌آباد شیراز ŠH)» عنوان کرده و امکان تغییر و تحوّل آوایی واژه «تیگر/هی» (*tigrāhy*)

در کتیبه شاپور و تبدیل آن به واژه پریسامدتر و متأخرتر «طغری» را پیشنهاد نمود (بشاش ۱۳۹۴: ۷۲-۶۱). در هر دو مقاله پیشین، متن و ترجمه کتیبه شاپور در غار حاجی‌آباد، به عنوان کهن‌ترین و معتبرترین سند و منبع مورد اتکاء برای طرح بحث برابری واژه مهجور پهلوی «تیگر/هی» و تحوّل و تطوّر آن به واژه پریسامد، اما با ریشه پنهان «طغری/تغرا» در نظر گرفته شد. به عقیده نگارنده، شاید بی‌اطلاعی از مضمون همین کتیبه شاپور (تصویر ۱)، تنها منبع و مأخذ تاریخی است که از نظر لغت‌شناسان و فرهنگ‌نویسان ترک و به تبع آن فارس و عرب و دیگر زبان‌هایی که به معنی و ریشه آن پرداخته‌اند، مغفول مانده است. بدیهی است که این ادعا و اظهار نظر نگارنده، باید نخست در چارچوب قواعد مربوط به زبان‌شناسی، پیش از ردیابی‌های تاریخی و نقل‌قول‌های لغت‌شناسان و فرهنگ‌نویسان پیشین، توسط زبان‌شناسان نیز به نقد گذاشته شده و به اثبات برسد.

همانطور که ملاحظه می‌شود دو واژه «تیگر» (*tigra*) فارسی باستان و «تیگر» (*tiygra*) اوستایی از ابتدا سابقه تحوّل تاریخی واج *γ* به *g* و بالعکس را پیشاپیش در واژگان تیگر/هی و تیگر/هی دوره میانه زبان‌های ایرانی یعنی زبان پهلوی و پارتی در خود دارند (Kent, 1953: 186; فره‌وشی، ۱۳۵۸: ۵۵۳). در واقع، توجه به همین تغییر و تحوّل واجی و واژگانی تیگر در واژه تیگر/هی (*tigra+ahy*) در کتیبه شاپور، به حسب رشته تحصیلی و سپس در ارتباط با دوران کاری نگارنده، موجب مطالعه و مقایسه هرچه بیشتر و تطبیق و برابری واژگان تیگر/هی / تیگر/هی و طغرا گردید.

توجیحات واج‌شناسی تحوّل واژگان

از جنبه معیار پذیرفتگی آوایی (Phonetic Plausibility) تبدیل صورت تاریخی فرضی *g*، که یک انفجاری نرم کامی واک‌دار است، به *γ* که یک سایشی



یافته‌اند. بدین ترتیب، همانطور که ملاحظه می‌شود، واژه *tigrāhy* بعد از چند فرایند تغییر آوایی، امکان تبدیل شدن به *tovrāh/tovṛāh* و در آخر به *tovrā/tovṛā* را دارد.

واژه *tigrāhy* در هیچ‌کدام از فرهنگ‌های زبان فارسی معاصر وارد نشده است. به دنبال قرائت دو تحریر فارسی میانه و پارتی کتیبه شاپور، واژه تیگراهی *tigrāhy* در تحریر فارسی میانه و مترادف آن واژه «ویتاؤن» (Gignoux, 1972: wt'wn>wētāwan) در تحریر پارتی کتیبه در واژگان فارسی میانه و پارتی به معانی «تیررس»، «تیراندازی»، «پرتاب تیر» با تقطیع *tigra* به معنی تیر و *-ahy* از ریشه اوستایی و فارسی باستان *ah²* به معنی «انداختن» و «پرتاب کردن» وارد شده است.^۵ مترادف *tigra* در فارسی باستان *tigra²* و در اوستایی *tiyri-tiyra* به معنی *arrow* تیر و تیز آمده است (Kent, 1953:186) (فرهوشی، ۱۳۵۸: ۵۵۳) است.

نقل قول‌های لغت‌شناسان و فرهنگ‌نویسان

پیشین راجع به طُغرا/تُغرا

واژه طُغرا یا تُغرا، در فرهنگ‌ها یک واژه زبان عربی به شکل تُغرا [ت/ت'] و طُغرا [ط/ط'] (ع مص) به معانی علامت، نشان، امضاء و صحهٔ پادشاهی آمده است. از قول صاحب تاج العروس این معنی ذکر شده است: «تتری است و اصل آن طورغای باشد، و فارس و روم آن را استعمال کنند». مشهور است که این لفظ ترکی است و در مناظر الانشاء نوشته است: «طُغرا خط سطربری باشد به خط پیچیده که القاب اسم سلطان باشد. خطی است که در عهد ملوک قدیم بالای امثله و مناشیر ایشان

^۵ نگارنده در مقاله قبل، واژه فارسی میانه *tigrāhy* را واژه به جای مانده از واژه فرضی *tigrāhya* فارسی باستان در حالت اضافی (*gen*) و *y* غیر ملفوظ آخر واژه را هم در زبان پهلوی باقی‌ماندهٔ پسوند حالت اضافی *hya* در نظر گرفته و پیشنهاد کرده است.

نرم‌کامی واک‌دار است، بدان سبب که در محیط میان واک‌ی (Intervocalic) رخ می‌دهد، فرایندی توجیه‌پذیر بوده و در طبقهٔ فرایند کَلّی نرم‌شدگی (Lenition) قرار می‌گیرد. بر این اساس، فرض کنیم که در مرحله‌ای داشته‌ایم: *tigrāhy>tiyṛāhy*

۷ نرم‌کامی بسیار نزدیک به ۸ ملازی است، به طوری که می‌توان فرضیه تبدیل شدن ۷ به ۸ در طول زمان را نیز به راحتی عنوان کرد و پذیرفت.

مسئلهٔ بعدی، تبدیل *i* قبل از این سایشی‌ها به *o* است، که این هم منطقی و قابل دفاع است: پسین شدن واکه پیشین در جایگاه قبل از یک سایشی پسین ملازی، علت ایجاد نشدن *u* (همتای پسین *i*) به جای *o* نیز می‌تواند این باشد که ۸ ملازی پسین است، اما افراشته نیست. بنابراین، نزدیک‌ترین واکه به آن *o* است. بر این اساس، خواهیم داشت^۴:

tigrāhy>tiyṛāhy>tivṛāhy>tovrāhy

در خوانش خط پهلوی حرف *y* - در آخر واژه‌ها معمولاً خوانده نمی‌شود. یعنی حرف نویسی واژه *tiyṛāhy* باید *tigrāh* آوانویسی و خوانده شود.

و باز حذف واج‌های */h/* و */h̄/* در آخر واژه *tovrāh/tovṛāh* هم در نظام تغییرات آوایی واژه‌های زبان پهلوی، امکان‌پذیر است. همچون واژه‌های:

nasāh, ašmāh, amah, Šhyṗwḥr, Artaḥštar
murwāh و *tyrsāh, zīwāh*, که در زبان فارسی نو با حذف واج‌های *-h/h̄* به ترتیب: ما، شما، نسا، ترسا، زیبا، مُروا و نام *šhyṗwḥr* که در اثر تغییر آوایی زبان فارسی میانه به *šhapuhr* و در فارسی نو به صورت‌های شاهپور و شاپور و *Artaḥštar* به *Ardašir* تغییر

^۳ در مقاله قبل، علامت واج ۸ ملازی را اشتباهاً با علامت *ō* سایشی نشان داده شده بود که در این مقاله اصلاح شده است.

^۴ بحث توجیحات زبان‌شناسی مقاله، بنا به درخواست نگارنده مبنی بر سیر تغییر و تطوّر واژه تیگراهی و تغراهی را، همکار زبان‌شناس محترم، جناب آقای دکتر بدالله پرمون، توجیه کرده است که بدینوسیله از ایشان به خاطر همکاری بی‌دریغشان، صمیمانه سپاسگزاری می‌شود.

می‌کشیدند، به شکل کمانی است»، «طَرَه‌ایست که بر بالای نامه پیش از «بِسْمِ اللَّهِ» نوشته می‌شود به قلم درشت و مضمون آن نعت پادشاه فرستنده نامه است و لفظ اعجمی است» (دهخدا) و (المنجد).

تنی چند از نویسندگان ترک، از جمله ابراهیم کفسوقلو، در کتاب تاریخ سلاجقه می‌آورد: «طغرا به عنوان یک علامت و نشان (monogram) در اسناد رسمی یافت شده از دوران سلجوقی به شکل تیر و کمان رایج بوده است» (Kafesoğlu, 1988: 86). و یا در مقاله ابوالعلاء سودآور تحت عنوان «میراث مغول در فرامین ایران» (The Mongol Legacy of Persian Farmans) می‌گوید: «در گذشته، کاتبان ایرانی تصویر تیر و کمان را به عنوان طغرای رؤسای قبایل سلجوقی در بالای فرامین آنها درج می‌کردند، که ادامه همین سنت بعدها موجب رایج شدن خوشنویسی طغری برای درج نام سلاطین و فرمانروایان گردیده است» (Soudavar, 2012: 415) و در مقاله دیگری تحت عنوان «یالت‌های غوز Oghus، کیمک Kimek و کیپچک Kipchak»، آقاجانف اظهار می‌دارد: «شان غوزهای سلسله سلجوقی هم که طغرا نامیده می‌شده است، همین نقش تیر و کمان بوده، با این تعبیر که کمان نماد قدرت پادشاهی و تیرها نماد قبایل تحت سلطه آنها محسوب می‌شده» (Agajanov, 1998: 70).

در ضمیمه مقاله «فرمان‌های بازمانده ایرانی از دوره مغول»، ابوالعلاء سودآور، در وجه تسمیه واژه طغرا دو نظریه را عنوان کرده است: ۱- گروهی معتقدند که این لغت مشتق از «طَغْرَق» است که از اصطلاحات دیوانی ترکان بوده است و ۲- گروه دیگر که آن را حاصل کوشش منشیان دیوانی می‌دانند که به اشتباه یا به قصد می‌خواستند نام سلطان را به شکل تیر و کمانی در آورند که به آن طرغای گفته می‌شد و طغرا تحریف همان است (سودآور، ۱۳۹۰: ۱۲۲).

دلیل گروه نخست گفته لغت‌شناس معروف قرن پنجم قمری، محمود کاشغری است که در دیوان لغت ترک که بین سال‌های ۴۶۷ و ۴۸۶ ق تنظیم شده است، می‌نویسد: «طَغْرَق توفیق پادشاه است برای غزیه، و برای ما بین ترکان غربی ناشناخته است، ریشه آن را ندانم که از کجا است». اما گروه دوم که معتقدند واژه طغرا شکل تحریف شده «طرغای»، نام پرند افسانه‌ای یا نام طغرل، اولین فرمانروای سلجوقیان، است که توسط نخستین منشیان ایرانی دربار سلجوقی به علت ناآشنا بودن با نام طرغای یا به خاطر نزدیک کردن نام طرغای به نام طغرل، آن را به طغرا تحریف کرده‌اند؛ به عقیده نگارنده نقلی بی‌پایه و اساس است.

سودآور در مقاله‌اش اضافه می‌کند: «...قبایل صحرائشین ترک و مغول بر هر کشور که تسلط می‌یافتند، مجبور بودند که برای اداره امور دیوانی خود از روش‌های کارگزاران و منشیان کشور مغلوب پیروی کنند. حتی از عناوینی همچون بگ دوره هخامنشی به صورت پیگ به معنی سرور برای فرمانروایان خود استفاده کرده‌اند. و در همین ارتباط، به نقل از بلاذری از قول ابن مقفع روایت می‌کند که فرمان‌های شاهان ساسانی همواره مزین به توفیق آن‌ها بوده. از همین امر، می‌توان چنین نتیجه گرفت که نوشتن نام فرمانروایان ترک بر سر فرامین آن‌ها نیز، به پیروی از یک سنت دیرینه ایرانی (احتمالاً ساسانی) بوده» (سودآور، همان: ۱۲۳).

به عقیده نگارنده، معنی واژه توفیق که کاشغری برای طَغْرَق قائل شده است، صحیح است؛ اما او به محتوای طَغْرَق اشاره دارد که فرمان پادشاه است، نه به ظرف و قالبی که توفیق پادشاه در آن نوشته و گنجانده می‌شود. ظرف و قالب توفیق همان تصویر گوناگون تیر و کمان در طغراها است که ریشه واژه طَغْرَق یا طغرا می‌باشد که کاشغری نسبت به آن ابراز بی‌اطلاعی می‌کند.



کسی که تیر به آن چینه افکند دست خوش باشد.» (بشاش، ۱۳۹۴: ۷۰).

نتیجه‌گیری

نگارنده در این مقاله همچون دو مقاله پیشین تأکید بر این دارد که:

نخست به دلیل معیار توجیه‌پذیری آوایی (Phonetic Plausibility) در چارچوب قواعد واج‌شناسی که واژه *tigrāh* با چند فرایند تغییر آوایی قابلیت تبدیل شدن به *toyrā* را دارد، نگارنده ریشه و سابقه تاریخی واژه *طغرا/تغرا* را در همین واژه *tigrāh* فارسی میانه می‌بیند و پیشنهاد می‌کند.

دوم آنکه برآمدن واژه *طغرا/تغرا* از واژه *toyrāh* به معنی توقیع و فرمان، و مرقوم و مرسوم داشتن آن بنا بر اذعان خود نویسندگان ترک، توسط منشیان ایرانی دربار سلجوقی، درون تصویر «تیر و کمان» طغراهای پادشاهان و فرمانروایان غوز و سلاجقه، عثمانی و بعد، به عقیده نگارنده ادامه رسم نمادین کهن تیراندازی شاهان ایرانی از جمله شاپور برای نشان دادن تیررس قدرت شاهان است.

اگر استدلال نگارنده از بیان این مطلب درست باشد، پس مراسم *tigrāhy* شاپور به معنی تیررس، تیراندازی که شاه در چنین مراسم با شکوه با حضور شهیاران، شاهزادگان، بزرگان و آزادان اجرا می‌کند، باید همین طغراکشی به مفهوم امروزی آن، اما نه بر مکتوبات توقیعات و امثله و مناشیر آن‌ها، بلکه روی زمین و در میدان توسط خود شاه در مقابل شاهدان و بزرگان دربار و دیگر شهیاران باشد.

آیا شاپور در این مراسم نمی‌خواهد مجری و ادامه دهنده سنتی کهن باشد؟ آیا نمی‌خواهد با اجرای این عمل نمادین، یعنی اجرای مراسم به اصطلاح نگارنده «طغراکشی» یا کشاکمانی، کمانی بکشد و تیری بنشانند و برای صدور فرمانش حد و مرزی تعیین نماید؟ مگر

توقیع های شاهان ساسانی، جملات کوتاه حکمت آمیزی بوده که از قول آن‌ها و فرمانروایان در پاسخ به گزارشی یا سوالی که غالباً مکتوب و گاه شفایی بوده، نقل گردیده است. گاه نیز احکام و فرمان‌هایی که صادر می‌گشت، متضمن توقیعی از شاه بود. این قتیبه دینوری آورده است که انوشیروان به دبیر خود دستور داده بود که در فرمان‌هایی که برای انتساب افراد صادر می‌شد به اندازه چهار سطر جای خالی بگذارد تا شاه به خط خویش در آن جا توقیع بنویسد و چون دبیر فرمان را می‌آورد، وی به خط خویش این توقیع را می‌نوشت: «بر نیکان به مهربانی حکومت کن، و در اداره عوام مردم میل و علاقه را با ترس درآمیز و بر فرومایگان با افکندن ترس در دل‌هایشان فرمانروایی کن». (تفضلی، ۱۳۷۶: ۲۴۰)

به نقل از سودآور، محتمل دانستن استفاده از توقیع در دوره ساسانی، در سر فرمان‌های فرمانروایان ترک و سلجوقی، به عقیده نگارنده درست است؛ زیرا متنی که در کتیبه شاپور می‌آید، همان توقیع و فرمانی است که شاه در آن مراسم مهم در مقابل شهیاران، شاهزادگان، بزرگان و آزادان برای صخه و بسط دامنه قدرت فرمان خویش به‌طور نمادین، با پرتاب تیر و کمان و نشان دادن تیررس خود چنین ابلاغ می‌کند:

«تیررس (تغرا؟) من، سرور مزداپرست شاپور شاه شاهان ایران و انیران که چهار از یزدان (دارد)، پسر سرور مزداپرست اردشیر شاه شاهان ایران که چهار از یزدان (دارد)، نوه سرور بابک شاه. و ما وقتی این تیر را رها کردیم، آنگاه ما در پیش چشم شهیاران و شاهزادگان و بزرگان و آزادان رها کردیم و ما پای بر این دره نهادیم و ما تیر فراتر از آن چینه انداختیم، اما آنجا که تیر انداختیم جای آنگونه نبود که اگر چینه چیده می‌شد، آنگاه از بیرون پیدا می‌شد. پس ما فرمودیم که چینه آن جا چیده شود که دست خوش باشد، برای کسی که پای در این دره نهد و تیر به سوی آن چینه رها کند. پس

منابع

بشاش، رسول (۱۳۷۵)، «کتیبه حاجی آباد فارس در عرصه تاریخ و اسطوره»، مجموعه مقالات نخستین گردهمایی، زبان، کتیبه و متون کهن، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی-مدیریت آموزش و تولیدات فرهنگی.

بشاش، رسول (۱۳۹۴)، «مراسم تفرکشی شاپور (کتیبه شاپور در غار حاجی آباد)»، مجموعه مقالات همایش بین المللی میراث زبانی، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی.

تفضلی، احمد (۱۳۷۶)، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، به کوشش دکتر ژاله آموزگار، تهران: انتشارات سخن.

سودآور، ابوالعلاء (۱۳۹۰)، «میراث مغول در فرامین ایران زمین»، نامه بهارستان، سال دوازدهم، شماره ۱۸ و ۱۹، تهران: پایگاه مجلات تخصصی نور.

فروشی، بهرام (۱۳۵۸)، فرهنگ زبان پهلوی، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

Agajanov, S. G. (1998), "The States of The Oghus, The Kimek and The Kipchak", *History of civilisations of Central Asia*, vol.4, part-1, Unesco Publication.

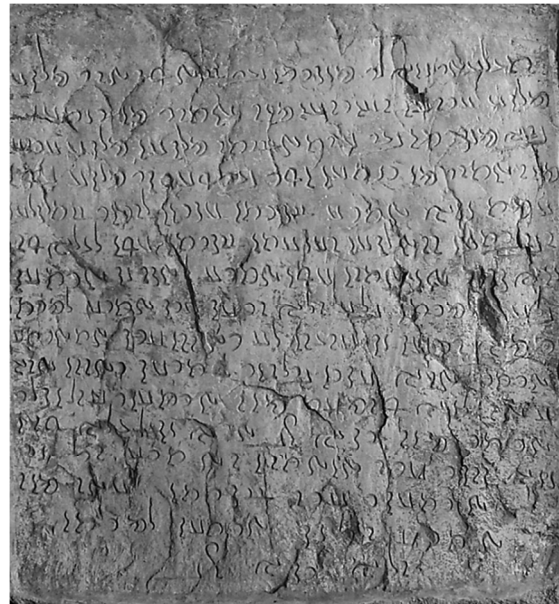
Gignaux, Ph. (1973), "Glossair des Inscriptions Pahlevies et Parthes.CII.", *Supplementary Series*, vol.I, London

Kafesoğlu, I. (1988), *A History of the Seljuks*, Southern Illinois University Press.

Kent, R. G. (1953), *Old Persian*, American Oriental Society, New Haven, connecticut.

Soudavar, A. (2012), *The Mongol Legacy of Persian Farmāns, Beyond The Legacy of Genghis Khan*, Berlin.

چنین عملی را در اسطوره ها آرش کمانگیر و پیشینیان شاپور در دوره هخامنشی از داریوش اول به بعد با نقش کمانداری خود، روی دريگ‌هایشان نشان ندادند؟ (تصاویر ۲ و ۳) و شاهان اشکانی از تیرداد به بعد، به یاد ارشک، بنیان‌گذار سلسله اشکانی، در پشت سکه‌ها و درهم‌هایشان نقش ارشک را با تیر و کمان در دست ضرب نکردند؟ (تصاویر ۴ و ۵). در واقع، تصویر شاه با تیر و کمان روی سکه‌های آن‌ها، همان *tigrāh* یا به تعبیر نگارنده، صورت تحوّل یافته متآخرش تغرا/تغرا است که دال بر تیررس یا بُرد و دامنه اعتبار، قدرت و نفوذ سرزمینی و مهر امپراتوری آن‌ها است.



تصویر ۱. مولاژ تحریر فارسی میانه کتیبه شاپور در غار حاجی آباد (مأخذ: نگارنده)



تصاویر ۲ و ۳. سکه‌های مربوط به دوران هخامنشی (مأخذ: بشاش، ۱۳۹۴)



تصاویر ۴ و ۵. سکه‌های مربوط به دوران اشکانی (مأخذ: بشاش، ۱۳۹۴)